

بررسی اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۳

هادی فرحی*^۱، سیده شایسته واردی^۲

چکیده

متغیرهای زیادی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، جهانی شدن است. جهانی شدن به مفهوم باز بودن اقتصاد، به تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد و تقویت عوامل رشد کمک می‌کند. یکی از عوامل رشد اقتصادی، هدایت نهاده‌ها به سوی مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی است. در فرایند جهانی شدن، منابع داخلی با توجه به مزیت‌های نسبی اقتصاد و میزان اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها، به مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود. آزادسازی، اقتصاد را به بازارهای بزرگ‌تر پیوند می‌دهد. از آدام اسمیت تا اقتصاددانان دیگر بر این باورند که اندازه بازار در رشد مؤثر است. بازار بزرگ‌تر دسترسی به دیدگاه‌های بیشتر، امکان فعالیت‌های با هزینه ثابت بزرگ‌تر و تقسیم کار مطلوب‌تر را فراهم می‌کند. بازار بزرگ‌تر در نهایت رقابت را بهبود می‌بخشد و به نوبه خود به ارتقای خلاقیت کمک می‌کند. از آنجایی که جهانی شدن در مفهوم کلی آن می‌تواند از راه‌های مختلفی از جمله آزادسازی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه، ارتباطات فردی و گردشگری بین‌المللی، جریان اطلاعات و روابط سیاسی، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. در این پژوهش برای نشان دادن جهانی شدن، از شاخص KOF که ۳ بعد اصلی جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) را در نظر می‌گیرد، استفاده شده است. هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته می‌باشد. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۱۵ کشور توسعه یافته در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ جمع‌آوری گردید. نتایج نشان می‌دهد که شاخص جهانی شدن دارای رابطه مثبت و معناداری با نرخ رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته بوده است.

واژگان کلیدی: واژه کلیدی، واژه کلیدی، واژه کلیدی، واژه کلیدی، واژه کلیدی،

۱- کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)

Hadi.farahi1370@gmail.com

۲- استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، ایران

۱- مقدمه

با رویکردی نظری، یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، جهانی شدن است. یکی از نتایج جهانی شدن این است که کشورها می‌توانند از امکانات تولیدی یکدیگر استفاده کرده و از انزوای تجاری خارج شوند و به این ترتیب از سطح کارایی تولید و رفاه اجتماعی برخوردار شوند. برای بررسی علل و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، الگوهای فراوانی طراحی شده است. (جعفری صمیمی و بحرینی، ۱۳۹۴)

اگر فرایند جهانی شدن را وجهه بارز تحولات حوزه‌های انسانی و اطلاعاتی در سه دهه اخیر در نظر بگیریم، به اذعان بسیاری از صاحب‌نظران آنچه هسته مرکزی این فرایند را تشکیل می‌دهد، درهم‌تنیدگی اقتصادی و تغییر سطح و کیفیت رشد اقتصادهاست. تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم جهانی شدن ارائه گردیده، که یکی از برداشت معمول از جهانی شدن اقتصاد، معادل "آزادسازی"^۱ ملاحظه شده است. در این نگرش، جهانی شدن به "فرایند حذف محدودیت‌های تحمیل شده از ناحیه دولت بر روابط خارجی کشورها به منظور دستیابی به یک اقتصاد جهانی باز و بدون مرز" اشاره دارد (شولته^۲، ۲۰۰۰).

جهانی شدن به‌عنوان فرایندی چندوجهی، قیده‌های جغرافیایی و مرزهای کشوری حاکم بر روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را کم‌رنگ می‌کند و شکل تازه‌ای از روابط را میان مردمان و ملت‌های مختلف به وجود می‌آورد. تأثیر ابعاد جهانی شدن بر رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مباحث ادبیات اقتصادی در هزاره سوم است. امیدها، بیم‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیوستن به اقتصاد باز جهانی، مجموعه‌ای از فرایندهای پیچیده‌ای است که ابعاد و زمینه‌های متعددی را در بر می‌گیرد که از میان آن‌ها، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر می‌شود. از آنجاکه همه ابعاد جهانی شدن بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند، جهانی شدن یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به شمار می‌رود. (جعفری صمیمی و بحرینی، ۱۳۹۴)

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد کلان که در ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود، رشد اقتصادی است و از جمله عواملی که می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد نیز جهانی شدن می‌باشد. صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را به صورت رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق گسترش فناوری تعریف می‌کند. (ساجز و وارنر، ۱۹۹۵)

رشد تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد سریع‌تر اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. فرایند جهانی شدن موجب پیشرفت اساسی در زمینه ارتباطات، حذف موانع تجاری، رشد سریع اقتصاد، بالا رفتن سطح زندگی، سرعت گرفتن نوآوری و ارتقای فناوری می‌شود. (دلار و کرای، ۲۰۰۱)

در این مطالعه آثار جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هدف از انجام این تحقیق بررسی اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. از این رو، به‌منظور تخمین مدل تحقیق لازم است تا نوع روش تخمین داده‌های ادغامی تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود یا عدم وجود عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. پس از مشخص شدن این که عرض از مبدأ برای کشورهای مختلف یکسان نیست، باید این فرضیه را آزمون کنیم که برای تخمین مدل از روش اثرات ثابت استفاده کنیم یا از روش اثرات تصادفی. بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. برای سازماندهی داده‌ها از نرم افزار اکسل و برای برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج از نرم افزار ایوبوز استفاده می‌شود. جامعه آماری این تحقیق مربوط به کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. در واقع از میان این کشورها، کشورهایی که اطلاعات مورد نیاز برای برآورد مدل و متغیرهای تحقیق را بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ در اختیار دارند، انتخاب شدند. کشورهای مورد مطالعه عبارتند از: انگلستان، اتریش، آمریکا، بلژیک، کانادا، فنلاند، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزلند، سوئد، استرالیا و دانمارک.

۲. عوامل اساسی پیش برنده اقتصاد جهانی

با بهره‌گیری از نظریات مختلف، می‌توان عناصر اصلی پیش برنده جهانی شدن اقتصاد را به شکل زیر برشمرد (شولت، ۱۳۸۲):

- گسترش عقلگرایی به‌عنوان چارچوب دانش اقتصاد
- برخی انعطاف‌ها و بازنگری‌ها در شیوه رشد سرمایه‌داری
- نوآوریهای تکنولوژیکی در ارتباطات و داده‌پردازی
- تشکیل چارچوب نظارتی توانمند و سازمان نظم بخش جهانی

1 - Liberalization

2 - Scholte

بنابراین می‌توان گفت که امروزه اقتصاد جهانی در سه حوزه اصلی، اقتصادهای ملی را تحت تاثیر قرار داده و آن‌ها را با شرایط متفاوت و پویایی مواجه کرده است: اول تجارت جهانی، دوم شیوه تولید نوین جهانی و سوم گسترش اعتبارات و بازارهای مالی. هر سه وجه جهانی شدن اقتصاد، در دو زمینه اشتراک دارند (گرچی، ۱۳۸۴):

۱. آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی در کلیه زمینه‌ها در داخل و فراسوی مرزهای ملی،

۲. تغییر پارادایم در فناوری‌های غالب و درهم‌تنیدگی‌های جهانی ناشی از آن.

در ادامه برای تکمیل مباحث، به دو سرفصل کلیدی دیگر در اقتصاد جهانی اشاره می‌کنیم:

الف. فناوری و تولید در اقتصاد جهانی

«جیمز روزناتو» در کتاب فراملی شدن، در تبیین روندهای جهانی شدن و نقش فعال عوامل فناوری و اقتصادی چنین می‌گوید که تحولات پویا که حاصل نوآوری‌های فناورانه بوده و با پیشرفت ارتباطات و حمل‌ونقل تقویت شده، تشکلهای سازمان‌های جدیدی را به صحنه سیاسی آورده است. تلاش این تشکلهای و نهادهای نو برای دسترسی به منابع خارجی یا تعامل با همگان خود در خارج از کشور، به تشدید و گسترش پویایی‌های جهانی منجر شده است (واترز، ۱۳۸۲).

گرچه گسترش محصولات و فرایندهای نوین همیشه عاملی کلیدی در رقابت میان بنگاه‌ها بوده است اما در شرایط جدید تجارت جهانی، مدیریت فناوری به سلاخی مهم در رقابت بین بنگاه‌ها و کشورها نیز تبدیل شده است. علیرغم عقب ماندن علم اقتصاد، اگر مدیریت فناوری در سطح اقتصاد ملی با زمینه‌ها و سیاست‌های مکمل همراه شود، آنگاه بر رشد بلندمدت کشور اثر چشمگیر دارد (میچی و اسمیت، ۱۹۹۸)

می‌توان پیش‌بینی کرد که با توجه به نظریات امثال شومپیتر در مورد امواج بلند تحولات جهانی، فناوری‌های عمومی سرانجام به صورت عواملی در خواهد آمد که از سرمشق‌های تکنولوژیکی جدید فراتر خواهد رفت و پیوسته به‌عنوان محرک چرخه‌های جدید رشد اقتصادی و سرمشقهای تکنولوژیکی جدید عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر روند تحول فناوری‌های اساسی به عامل توسعه ثروت ملل تبدیل می‌شود.

ب. عدالت توزیعی و ابهام در اقتصاد جهانی

از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات اقتصاد جهانی که البته نقش مهمی در تکمیل شناخت این فرایند دارد، به جریان‌های توزیع برمی‌گردد. جهانی شدن تاثیرات قابل توجهی بر انواع گوناگون قشربندی‌های اجتماعی از جمله در ارتباط با طبقه اجتماعی، کشور، جنسیت، نژاد، تقسیم‌بندی شهری - روستایی و سن گذاشته است.

جهانی شدن دست‌کم از چهار طریق کلی و مهم در روند شکافهای ناعادلانه نقش داشته است (همان، ص ۴-۲۹۱):

طبقات اجتماعی و کشورها و گروههای جنسیتی و روستایی - شهری، برای دستیابی به فضاهای جهانی ظاهراً آزاد و باز، فرصت‌های نابرابری دارند.

جهانی شدن با جریان عمدتاً نولیبرال، اغلب سازوکارهای توزیع مجدد را که طی قرن بیستم از سوی دولت‌ها تدارک شده، تضعیف کرده است.

حکومت‌های جهانی (مقررات و سازمانهای فراملی) تاکنون به‌طور کلی تخصیص منافع و ضررها را به‌گونه‌ای تامین می‌کنند که همواره به نفع پیشروان توسعه و طبقات ثروتمند تمام می‌شوند.

جهانی شدن به تضعیف قابل توجه توانایی‌های جنبش‌های اجتماعی سنتی و مبتنی بر قلمرو مانند اتحادیه‌های کارگری، ضداستعمار و عدالت جویانه منجر شده است.

۳. نظریه توان رقابت اقتصاد ملی

توان رقابت اقتصاد را می‌توان در دو سطح خرد و کلان تعریف کرد، که در سطح خرد توان رقابت به ظرفیت یک بنگاه برای سودآوری، توسعه و رقابت در بازار آزاد دلالت دارد، و در سطح کلان بطور کلی دستیابی به جایگاه مناسب در بازارهای بین‌المللی برای محصولات تولیدی کشور مورد توجه است.

تغییرات نرخ ارز و دستمزدهای واقعی و همچنین کاهش هزینه‌های تولیدی بر سطح توان رقابت کالاها و خدمات اثر دارند.

۴. مفهوم‌شناسی توان رقابت اقتصاد

مجمع جهانی اقتصاد (WEF) توان رقابت را توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد و یا حفظ سطح استاندارد زندگی (درآمد سرانه) می‌داند. از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) توان رقابت یعنی توانایی یک ملت در تولید کالا و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به طور همزمان حفظ یا ارتقاء سطح درآمد شهروندان در درازمدت. (بهکیش، ۱۳۸۱)

۵. رابطه توسعه اقتصادی با توان رقابت

توسعه اقتصادی موفق فرایندی است از ارتقاء متوالی که در طی آن فضای کسب و کار ملی در جهت پشتیبانی و ترغیب روزافزون راه‌های رقابت انعطاف‌پذیر و مطابق بهره‌وری عمل می‌کند. ملت‌ها در مراحل مختلف توسعه با چالش‌های متمایزی روبه‌رو هستند. اگر کشوری بخواهد توسعه اقتصادی موفق داشته باشد ناگزیر باید شرکت‌های آن در زمینه رقابت ارتقاء یابند. شرکت‌های درون اقتصاد باید از رقابت در مزیت نسبی (منابع طبیعی و انسانی ارزان) به رقابت بر مزیت‌های رقابتی و خلق مزایا رو بیاورند و همچنین کانال‌های توسعه و فناوری را درونزا کنند. (پورتر، ۲۰۰۳)

۶. ابعاد جهانی شدن

جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های متعددی است که از میان آن‌ها ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند.

۶-۱- بعد اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد را می‌توان فرآیندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم رنگ‌تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، فناوری، کالا، خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها، آسان‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد. (بهکیش، ۱۳۸۰)

۶-۲- بعد اجتماعی

بعد اجتماعی جهانی شدن به اثر جهانی شدن بر زندگی و کار مردم، خانواده و جوامع اشاره دارد و فراتر از دنیای کسب و کار، بعد اجتماعی جهانی شدن شامل فرهنگ و هویت، همبستگی خانواده‌ها و جوامع است. بطور کلی، جهانی شدن اجتماعی مربوط به تعامل انسان‌ها در جوامع فرهنگی مختلف و در ارتباط با موضوعاتی مانند خانواده، مذهب، کار و تحصیلات می‌باشد.

۶-۳- بعد سیاسی

بعد سیاسی جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شوند و بتوانند به‌عنوان گروه‌های ذی‌نفع بر دولت‌ها تأثیر بگذارند و آن‌ها را تحت تأثیر تصمیم‌ها، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند. در این بعد از جهانی شدن پرسش از نقش دولت و حکومت در فرآیند جهانی شدن است (میرمحمدی، ۱۳۸۱).

۷. مبانی نظری تأثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی

تأثیر متقابل جهانی شدن و رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی در هزاره سوم است. متغیرهای زیادی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از جمله این متغیرها می‌توان به مخارج دولت، اشتغال، سرمایه‌گذاری، تورم، صادرات، واردات و ... اشاره کرد. با رویکردی نظری یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، جهانی شدن است. یکی از نتایج جهانی شدن، این است که کشورها می‌توانند از امکانات تولیدی یکدیگر استفاده کرده و از انزوای تجاری خارج شوند و به‌این ترتیب از سطح کارایی تولید و رفاه اجتماعی برخوردار شوند. جهانی شدن در مفهوم کلی آن می‌تواند از راه‌های مختلفی از جمله آزادسازی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه، ارتباطات فردی و گردشگری بین‌المللی، جریان اطلاعات و روابط سیاسی، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد.

۷-۱- تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی از طریق آزادسازی تجارت

تفسیر اقتصاددانان کلاسیک از رابطه بین تجارت خارجی و رشد و توسعه اقتصادی این است که تجارت خارجی عاملی برای رشد اقتصادی است. جان استورات میل اثر تجارت را به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌کند. اثر مستقیم تجارت، استفاده بیشتر از عوامل تولید و کارآیی بیشتر در سطح بین‌المللی و اثر غیرمستقیم آن مربوط به گسترش بازار کالاها و خدمات، افزایش ابداعات و بهره‌وری و افزایش انباشت سرمایه است. وی درباره منافع حاصل از تجارت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی معتقد است تجارت فرصتی ایجاد می‌کند که کشورها در تولید کالاهایی که عوامل تولید آن کالاها در آن کشور موجود است، تخصص کسب کنند. همچنین تجارت، کشورهای در حال توسعه که دارای بازارهای کوچک و هزینه‌های بالای تولید می‌باشند را به صرفه‌های مقیاس اقتصادی مواجه می‌کند و با استفاده از روابط تجاری، صادرات را افزایش داده و صرفه‌های اقتصادی، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. بطور کلی می‌توان گفت اقتصاددانان کلاسیک، تجارت را عامل اصلی رشد اقتصادی می‌دانند (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

۷-۲- تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و

جریان‌های سرمایه

طیف اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار گسترده است؛ مانند تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و تکنیک‌های تولید، تقویت و گسترش منابع مهم مالی و بین‌المللی، افزایش تحقیق و توسعه، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها، افزایش قدرت رقابت و رشد فناوری ملی و ظرفیت کار و رشد مؤسسه‌ها و شرکت‌های داخلی (کمیحانی و قویدل، ۱۳۸۵). به لحاظ تاریخی نقش و جایگاه سرمایه‌گذاری، در فرآیند رشد و توسعه به حدی است که سرمایه‌گذاری را موتور محرکه رشد اقتصادی نامیده‌اند.

۷-۳- تأثیر جهانی شدن اجتماعی بر رشد اقتصادی از طریق ارتباطات فردی و گردشگری

بین‌المللی

ظرفیت‌های صنعت گردشگری مانند ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه زیرساخت‌ها، ورود گردشگران خارجی، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی، افزایش صادرات و افزایش امکان سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، که این امر توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. با درک موقعیت برتر صنعت گردشگری در الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، می‌توان رشد اقتصادی کشورها را تقویت کرد (شریفی رنانی و همکاران، ۱۳۸۹).



نمودار ۱- محورهای اثرگذاری جهانی شدن بر رشد اقتصادی (منبع: مطالعات انجام شده توسط محقق)

با استفاده از شاخص جدید جهانی شدن KOF که توسط موسسه اقتصادی KOF که در سویس ارائه شده و داده‌های آماری سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۲ و روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به این نتیجه دست یافتند که ابعاد سه گانه جهانی شدن تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه داشته و به ترتیب ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای بیشترین تأثیر بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه بودند.

۸. روش تحقیق

این تحقیق بر اساس اهداف، از نوع تحقیقات کاربردی است که هدف از آن توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است، به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شود (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۵). البته این مطالعه از نظر روش کار از نوع علی پس از وقوع (پس رویدادی) می‌باشد.

۹. ارائه مدل و معرفی متغیرهای تحقیق

به منظور تشخیص اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی الگوی زیر بر اساس مطالعه (جعفری صمیمی و بحرینی، ۱۳۹۴) برای گروه کشورهای منتخب توسعه یافته معرفی می‌شود:

$$GDP_{it} = \beta_0 + \beta_1 KOF_{it} + \beta_2 LF_{it} + \beta_3 INV_{it} + \varepsilon_{it}$$

در الگوی مورد نظر متغیرها به شرح زیر هستند:

GDP: تولید ناخالص داخلی

KOF: شاخص جهانی شدن

LF: نرخ مشارکت نیروی کار، درصدی از کل جمعیت بالای ۱۵ سال

INV: سرمایه‌گذاری کل، درصدی از تولید ناخالص داخلی

ε_{it} : جزء اخلاص

I و t به ترتیب بیانگر کشور و زمان داده‌های آماری می‌باشد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر مبنای طرح پژوهش ارائه می‌شود. با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری مناسب که با روش تحقیق و نوع متغیرها سازگاری دارند، داده‌های جمع‌آوری شده دسته‌بندی، و تجزیه و تحلیل می‌شود. به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. آمار توصیفی به محاسبه پارامترهای جامعه می‌پردازد و شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی جامعه و ... می‌باشد. در جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و ... آورده شده است. به‌عنوان مثال برای متغیر نرخ رشد اقتصادی (GDP) در گروه کشورهای منتخب توسعه یافته، میانگین، میانه، ماکزیمم، مینیمم و انحراف معیار به ترتیب ۱،۴۸، ۱،۹۱، ۶،۷۲، ۸،۲۶- و ۲،۳۵ می‌باشد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	INV	LF	KOF	GDP
میانگین	۲۰،۱۶	۵۴،۲۹	۸۴،۳۰	۱،۴۸
میانه	۲۰،۵۳	۵۵،۹۰	۸۵،۹۹	۱،۹۱
بیشترین	۲۹،۰۴	۶۲،۱۰	۹۲،۶۳	۶،۷۲
کمترین	۹،۸۳	۳۶،۴۰	۶۰،۰۷	-۸،۲۶
انحراف معیار	۳،۲۸	۶،۳۷	۶،۹۵	۲،۳۵
ضریب چولگی	-۰،۱۷	-۱،۰۶	-۱،۳۵	-۱،۱۷
ضریب کشیدگی	۴،۱۷	۳،۵۳	۴،۸۹	۵،۲۱
مشاهدات	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰

باید از مانایی متغیرها مطمئن شویم تا دچار رگرسیون کاذب نشویم. برای بررسی این موضوع از آزمون ایم-پسران-شین (IPS) استفاده شده است. نتایج این آزمون برای کشورهای منتخب در جدول ۲ منعکس شده است. اگر سطح احتمال آزمون برای متغیرهای مورد نظر مدل کمتر از ۵ درصد باشد فرضیه صفر این آزمون که مبنی بر مانا بودن (عدم وجود ریشه واحد) متغیرهای تحقیق است در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. اما اگر سطح احتمال بیشتر از ۵ درصد بود باید با تفاضل گیری از آن متغیر آن را مانا نموده و سپس برای برآورد مدل نماییم.

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی IPS

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال
GDP	-۲,۴۷	۰,۰۰۶۷
INV	-۲,۰۵	۰,۰۴۶۲
LF	-۱,۸۶	۰,۰۱۲۸
KOF	-۲,۲۳	۰,۰۳۷۱

منبع: محاسبات نرم افزاری

همان‌طور که مشخص است نتایج آزمون ریشه واحد انجام شده نشان دهنده عدم وجود ریشه واحد و بدین ترتیب مانا بودن متغیرهای مورد بحث تحقیق در کشورهای منتخب تحقیق می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز برای برآورد مدل از بانک جهانی برای سالهای ۲۰۰۲-۲۰۱۳ و برای ۱۵ کشور منتخب توسعه یافته جمع‌آوری شده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج آماری آزمون مدل پژوهش (متغیر وابسته: GDP)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
C	-۵,۲۰	۱۳,۱۶	-۰,۳۹	۰,۶۹۳۲
INV	۰,۴۷	۰,۰۷	۶,۶۲	۰,۰۰۰۰
KOF	۰,۴۰	۰,۱۳	۲,۹۲	۰,۰۰۴۰
LF	۰,۶۷	۰,۱۴	۴,۸۴	۰,۰۰۰۰
آماره F فیشر	۵,۲۹	سطح معنی‌داری آماره F		۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۷۵	آماره دوربین واتسن		۱,۸۹

منبع: خروجی نرم افزار ایویوز

طبق نتایج بدست آمده و ارائه شده در جدول (۳) چهار متغیر مستقل (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنادار می‌باشند. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند. بر اساس نتایج بدست آمده، متغیر سرمایه‌گذاری کل (INV) رابطه مثبت و معناداری با نرخ رشد اقتصادی دارد. این رابطه با توجه به سطح معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. در نتیجه با بهبود در این شاخص بر نرخ رشد اقتصادی نیز به طور متوسط افزوده شده است. شاخص جهانی شدن (KOF) مطابق با نتایج بدست آمده تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است. شاخص مشارکت نیروی کار (LF) نیز اثر مثبت و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی داشته است. در نتیجه با افزایش مشارکت نیروی کار بر نرخ رشد اقتصادی نیز به طور متوسط افزوده شده است.

نتیجه گیری

در این مطالعه به بررسی و اندازه گیری میزان اثر شاخص جهانی شدن بر روی نرخ رشد اقتصادی در گروه منتخب کشورهای توسعه یافته پرداختیم. از جمله مواردی که پایه‌های تئوری و اقتصاد سنجی آن بررسی شد می‌توان به مانایی و آزمون های آن، آزمون هاسمن و F، چگونگی برآورد مدل اشاره نمود. سپس با استفاده از آزمون های مختلف و شیوه های گوناگون اقتصاد سنجی به تجزیه تحلیل اطلاعات موجود پرداخته شد و بعد از تایید مانایی متغیرهای تحقیق به برآورد یا برازش مدل پرداخته شد و به

تبع آن نتایج به دست آمده تجزیه و تحلیل شد. سطح احتمال متغیر جهانی شدن نشان می‌دهد که شاخص جهانی شدن دارای رابطه مثبت و معناداری با نرخ رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته بوده است.

متغیرهای زیادی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از جمله این متغیرها می‌توان به مخارج دولت، اشتغال، سرمایه‌گذاری، تورم، صادرات و واردات اشاره کرد. با توجه به نتایج بدست آمده یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، جهانی شدن است. یکی از نتایج جهانی شدن، این است که کشورها می‌توانند از امکانات تولیدی یکدیگر استفاده کرده و از انزوای تجاری خارج شوند و به این ترتیب از سطح کارایی تولید و رفاه اجتماعی برخوردار شوند.

جهانی شدن، به مفهوم باز بودن اقتصاد، به تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد و تقویت عوامل رشد کمک می‌کند. یکی از عوامل رشد اقتصادی، هدایت نهاده‌ها به سوی مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی (با توجه به مزیت نسبی) است. در فرآیند جهانی شدن، منابع داخلی با توجه به مزیت‌های نسبی اقتصاد و میزان اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها، به مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شوند. آزادسازی، اقتصاد را به بازارهای بزرگ‌تر پیوند می‌دهد. بازار بزرگ‌تر دسترسی به دیدگاه‌های بیشتر، امکان فعالیت‌های با هزینه ثابت بزرگ‌تر، و تقسیم‌کار مطلوب‌تر را فراهم می‌کند. بازار بزرگ‌تر در نهایت رقابت را بهبود می‌بخشد و به نوبه خود به ارتقای خلاقیت کمک می‌کند.

جهانی شدن در مفهوم کلی آن می‌تواند از راه‌های مختلفی از جمله آزادسازی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه، ارتباطات فردی و گردشگری بین‌المللی، جریان اطلاعات و روابط سیاسی، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد.

منابع

۱. بهکیش، محمدمهدی. اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشرنی، ۱۳۸۱.
۲. جعفری صمیمی، احمد و بحرینی، نصرت (۱۳۹۴) مقایسه تأثیر ابعاد سه گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه خاور میانه و شمال آفریقا، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص: ۷۷-۱۱۰.
۳. سرمد، بازرگان، حجازی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه، ۱۳۸۵.
۴. شریفی رناتی، حسین و همکاران (۱۳۸۸) بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران
۵. شولت، یان آرت. نگاهی موشکافانه برپدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۶. عاشور زاده و همکاران (۱۳۹۲) اثر جهانی شدن اقتصاد و تجارت بر رشد اقتصاد و تجارت، مدل خود توضیح برداری، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران.
۷. کمبجانی، اکبر و قویدل، صالح (۱۳۸۵) اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال ماهر و غیرماهر بخش خدمات ایران
۸. فرحی، هادی (۱۳۹۶). بررسی اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته با رویکرد پانل دیتا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد قائمشهر.
۹. گرجی، ابراهیم. جهانی شدن، صنعت ملی و راهکارهای توسعه تجارت خارجی. تهدیدها و فرصتهای صنعت ملی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴.
۱۰. میرمحمدی، داود (۱۳۸۱) "جهانی شدن، ابعاد و رویکردها، فصلنامه مطالعات ملی"، سال سوم، شماره ۱۱
۱۱. واترز، مالکوم. جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوری. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۲.
12. Dollar, D., and Kraay, A. 2001. "Trade, Growth, and Poverty", The Economic Journal, No.114, pp. 22-49.
13. Michie J and Smith J.G.(1998).Globalization Growth and Governance. New York: Oxford University Press.
14. Sachs, J., and Warner, A. M. 1995. "Economic Reform and the Process of Global Integration", Brooking Papers on Economic Activity, Vol. 1, pp. 1- 118.
15. Samimi, P., and Jenatabadi, H.S. 2014. "Globalization and Economic Growth: Empirical Evidence on the Role of Complementarities", Plos One, 9(4): e87824, Doi: 10.1371/Journal. Pone.0087824, pp 1-7.
16. Scholte, J.A. Globalization, London: Palgrave, 2000.